

چگونه اسرائیل زرادخانه هسته‌ای خود را دزدید و ایالات متحده چگونه به مخفی کردن آن کمک کرد

ظهور اسرائیل به عنوان یک قدرت هسته‌ای، نتیجه نوآوری علمی نبود، بلکه عملی حساب شده از سرقت بود - به طور خاص، انتقال 100 تا 300 کیلوگرم اورانیوم غنی شده با درجه تسلیحاتی (HEU) از ایالات متحده در دهه 1960. ماجرای NUMEC به عنوان فاحش ترین مورد سرقت هسته‌ای در تاریخ شناخته می شود. مشابه حمله سال 1967 به یواس اس لیبرتی، که شواهد آشکار به هدف گیری عمدی اسرائیل علیه یک کشتی جاسوسی آمریکایی اشاره داشت، سرقت مواد هسته‌ای آمریکایی زیر لایه هایی از انکار استراتژیک، فشار سیاسی و مصونیت دیپلماتیک دفن شده است.

این مقاله افشا می کند که چگونه اسرائیل اورانیوم را که زرادخانه هسته‌ای اش را تغذیه کرد، دزدید، چگونه این مواد را بدون شناسایی قاچاق کرد، و چگونه همچنان درباره وضعیت هسته‌ای خود دروغ می گوید - با حمایت از همدستی ایالات متحده و دکتترین سیاست خارجی که سکوت را بر پاسخگویی ترجیح می دهد.

ماجرای NUMEC: اورانیوم آمریکا، بمب اسرائیل

ماجرای شرکت مواد و تجهیزات هسته‌ای (NUMEC) در آپولو، پنسیلوانیا، مدت هاست که به عنوان منشأ برنامه تسلیحات هسته‌ای اسرائیل ذکر شده است. بین سال های 1957 و اواسط دهه 1970، بین 200 تا 600 پوند (90-270 کیلوگرم) اورانیوم غنی شده از این تأسیسات غیبش زده است. رئیس NUMEC، زالمان شاپیرو، روابط نزدیکی با اطلاعات اسرائیل داشت. در سال 1968، مأموران اسرائیلی، از جمله رافی عیتان - که بعدها به دلیل مدیریت عملیات جاسوسی جاناتان پولارد شناخته شد - از NUMEC بازدید کردند. عیتان، که در آن زمان به دانش طراحی تسلیحات هسته‌ای آمریکا مجهز بود، در موقعیت ایده‌آلی برای هماهنگی انتقال اورانیوم قرار داشت.

ارزیابی های منتشر شده سیا و گزارش GAO در سال 2010 ناپدید شدن این مواد را تأیید کردند و به شدت نشان دادند که این مواد به رآکتور دیمونا اسرائیل رسیده و برنامه تسلیحاتی این کشور را آغاز کرده است. تا سال 1967، اسرائیل حداقل دو سلاح هسته‌ای قابل تحویل داشت که برای بازدارندگی مداخله اعراب در جنگ شش روزه استفاده شد. هیچ یک از این ها بدون اورانیوم آمریکایی - که به صورت آشکار دزدیده شده بود - ممکن نبود.

قاچاق اورانیوم: فیزیک یک جرم کامل

قاچاق اورانیوم غنی شده در دهه های 1960 و 1970 بسیار آسان تر از آن چیزی بود که اکثر مردم تصور می کنند. اورانیوم-235 به دلیل نیمه عمر طولانی (~704 میلیون سال) سطوح بسیار پایینی از پرتو گاما ساطع می کند. یک نمونه 20 کیلوگرمی از اورانیوم غنی شده، اگر به صورت دی اکسید اورانیوم (UO_2) حمل شود، حدود 1.49×10^7 بکرل فعالیت گاما تولید می کند - که در مقایسه با پرتوهای پس زمینه، در صورت محافظت مناسب، ناچیز است.

با استفاده از قوانین تضعیف نمایی:

- $I/I_0 = e^{-(\mu x)}$ با $\mu \approx 1.64 \text{ cm}^{-1}$ و $x = 18.2 \text{ cm}$ ، عامل تضعیف $\sim 10^{-13}$ به دست می‌آید.
- این مقدار 1.49×10^7 بکرل را به 1.49 بکرل مؤثر کاهش می‌دهد.
- در فاصله 10 سانتی‌متری، نرخ دوز تابش ~ 0.00001 میکروسیورت در ساعت است - تنها 3.65 درصد دوز پس‌زمینه طبیعی (~ 0.000274 میلی‌سیورت در ساعت).

به عبارت دیگر، یک پیک می‌توانست با 20 کیلوگرم در یک چمدان از نیویورک به تل‌آویو پرواز کند و هرگز زنگ خطری را به صدا درنیاورد - به‌ویژه در دوره‌ای که هیچ آشکارساز تابشی وجود نداشت و بررسی بارها حداقل بود. محموله‌های دریایی یا کبسه‌های دیپلماتیک حتی کمتر قابل شناسایی بودند. چندین محموله کوچک می‌توانستند به راحتی کل مقدار دزدیده‌شده را در طول چند ماه منتقل کنند.

ابهام عمدی: سیاست فریب

اسرائیل هرگز به داشتن تسلیحات هسته‌ای اعتراف نکرده و در عوض به سیاست “ابهام عمدی” پایبند بوده است. این ابهام استراتژیک نیست؛ این یک فرار حساب‌شده است.

اصلاحیه سایمینگتون (U.S.C. § 2799aa-1 22) کمک خارجی ایالات متحده به هر کشوری که در فناوری تسلیحات هسته‌ای خارج از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) تجارت می‌کند، ممنوع می‌کند. اسرائیل امضاکننده نیست. در تئوری، این باید اسرائیل را برای دریافت کمک نظامی ایالات متحده غیرقابل قبول کند. در عمل، اسرائیل سالانه 3.8 میلیارد دلار کمک ایالات متحده دریافت می‌کند - با دور زدن الزام قانونی از طریق معافیت‌های متوالی رئیس‌جمهور به بهانه “امنیت ملی”.

همان‌طور که دولت ایالات متحده حمله به یواس اس لیبرتی را طبقه‌بندی کرد - با وجود اسناد NSA و روایت‌های بازماندگان که ثابت می‌کنند حمله عمدی بود - آژانس‌های آمریکایی در دهه 1970 تحقیقات درباره NUMEC را سرکوب کردند. کمیسیون انرژی اتمی، اف‌بی‌آی، و سیا همگی تحت فشار قرار گرفتند تا دخالت اسرائیل را کم اهمیت جلوه دهند. عیتان به تصدی پست‌های ارشد اطلاعاتی اسرائیل ادامه داد و هرگز توسط مقامات آمریکایی مورد بازجویی قرار نگرفت.

یواس اس لیبرتی و NUMEC: موارد موازی مصونیت

در 8 ژوئن 1967، طی جنگ شش‌روزه، جت‌های جنگنده و قایق‌های اژدری اسرائیلی به یواس اس لیبرتی، یک کشتی اطلاعاتی آمریکایی که به‌وضوح علامت‌گذاری شده بود، در آب‌های بین‌المللی حمله کردند. سی‌وچهار آمریکایی کشته شدند. بازماندگان، ارتباطات رهگیری شده و گزارش‌های پس از عملیات تأیید می‌کنند که اسرائیل می‌دانست که به یک کشتی آمریکایی حمله می‌کند. با این حال، برای حفظ اتحاد ایالات متحده و اسرائیل، این حادثه به‌عنوان “حادثه‌ای غم‌انگیز” اعلام شد و به سرعت دفن شد.

NUMEC از همان الگو پیروی کرد: شواهد غیرمستقیم روشن، انکار از سوی اسرائیل، سکوت از سوی دولت ایالات متحده، و عدم پاسخگویی. در هر دو مورد، حقیقت به خاطر “مشارکت استراتژیک” قربانی شد.

انکار و پیامدهای جهانی

امتناع اسرائیل از اعتراف به زرادخانه هسته‌ای خود پیامدهای گسترده‌ای دارد. این منطقه خاورمیانه را با ترغیب دشمنانی مانند ایران به جستجوی بازدارنده‌های خود بی‌ثبات می‌کند. همچنین به اسرائیل اجازه می‌دهد سیاست منع گسترش را دیکته کند در حالی که کاملاً خارج از چارچوب NPT عمل می‌کند.

علاوه بر این، انتقاد از سیاست هسته‌ای اسرائیل اغلب به‌عنوان یهودستیزی طبق تعاریف IHRA رد می‌شود، که تحقیقات مشروع و افشاگری‌ها را سرکوب می‌کند. نتیجه یک دولت مسلح به سلاح هسته‌ای است که بدون بازرسی، بدون پاسخگویی و با مصونیت کامل دیپلماتیک عمل می‌کند.

نتیجه‌گیری: جنایتی بدون مجازات که منطقه‌ای را شکل داد

تا تاریخ 1 ژوئیه 2025، سرقت اورانیوم آمریکایی و پنهان‌کاری ماجرای NUMEC همچنان حل‌نشده باقی مانده است. همین‌طور حمله به یواس اس لیبرتی. هر دو یک حقیقت عمیق‌تر را منعکس می‌کنند: وقتی اقدامات اسرائیل با قانون یا ارزش‌های آمریکایی در تضاد است، واشنگتن اغلب سکوت را به عدالت ترجیح می‌دهد.

سرقت اورانیوم نه تنها امکان‌پذیر بود - بلکه اجرا شد و نادیده گرفته شد. تابش آنقدر ضعیف بود که قابل شناسایی نبود، هزینه‌های سیاسی رویارویی بیش از حد بالا بود. اسرائیل زرادخانه‌ای مخفی با مواد دزدیده‌شده ساخت، و جهان - به‌ویژه ایالات متحده - تصمیم گرفت نگاه دیگری بیندازد.

این سکوت صرفاً همدستی نیست. این سیاست است.